

## Papers from the life notebook of Chaharbagh school In modern times (through the lens of documents and endowments)

A'bdolmahdi Rajayi\*

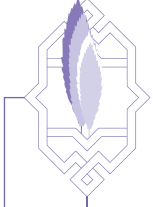
### Abstract

Chaharbagh School of Isfahan, which is one of the schools built by Shah Sultan Hossein Safavi, has a special importance among its peers and among other buildings in the city. This feature has marked a different history for the school. In the present article, an attempt has been made by referring to several packages of documents and endowments, which were taken from the National Records Organization, Corners of the contemporary history of this school during the Qajar and Pahlavi periods should be clearly revealed and rewritten. Among the points mentioned in the documents, information was obtained that was not mentioned in any of the historical book.

**Key words:** Waqf, Isfahan, Chaharbagh school, document.

---

\*. Graduated with a doctorate in history from Isfahan University, Isfahan researchn.ahmadi@ltr.  
m1350323@gmail.com



صفحات من مكتب الحياة المدرسية السلطانية (جهارباغ)  
في العصر الحديث  
(من خلال نافذة الوثائق و الأوقاف)

عبدالمهدى رجائى \*

خلاصة

مدرسة جهارباغ في أصفهان هي إحدى المدارس التي بناها السلطان حسين صفوي، لها أهمية خاصة بين مثيلاتها من المدارس و بين المباني الأخرى في المدينة. لقد شكلت هذه الميزة تاريخاً مختلفاً للمدرسة. هذا المقال هو محاولة لتسليط الضوء و إعادة كتابة بعض أجزاء من التاريخ المعاصر لهذه المدرسة في العصرين القاجاري و البهلوي من خلال الرجوع إلى عدة وثائق و أوقاف، مأخوذة من مؤسسة الوثائق الوطنية. من بين النقاط المذكورة في الوثائق، تم الحصول على معلومات لم ترد في أي من الكتب التاريخية.

الكلمات المفتاحية: الوقف، أصفهان، مدرسة جهارباغ، مستند

## اوراقی از دفتر حیات مدرسه سلطانیه (چهارباغ) در دوران معاصر (از درپچه اسناد و موقوفات)

عبدالمهدی رجائی\*

مقاله پژوهشی



### چکیده

مدرسه چهارباغ اصفهان که یکی از مدارس ساخته شده توسط شاه سلطان حسین صفوی است که دارای اهمیت ویژه‌ای در میان مدارس همتای خود و نیز در میان سایر ابنیه شهر است. این ویژگی تاریخی متفاوتی را هم برای مدرسه رقم زده است. در مقاله حاضر کوشش شده است با مراجعه به چند بسته سند و وقف‌نامه که از سازمان اسناد ملی گرفته شده است، گوشه‌هایی از تاریخ معاصر این مدرسه در دوران قاجار و پهلوی به روشنایی آمده و بازنویسی گردد. در میان نکات گفته شده در اسناد، اطلاعاتی به دست آمد که در هیچ یک از کتب تاریخی ذکری از آنها نشده است.

واژگان کلیدی: وقف، اصفهان، مدرسه چهارباغ، سند



## مقدمه

مدرسه چهارباغ اصفهان که امروز به نام مدرسه امام صادق (ع) نامیده می‌شود، تاریخ پر فراز و نشیبی دارد که آن را از بقیه مدارس علمیه متمایز می‌کند. این مدرسه چند ویژگی مهم دارد که باعث می‌شد همواره مورد توجه و حتی هدف مأموران دولتی و شبه‌دولتی باشد. یکی از این ویژگی‌ها قرارگرفتن آن در جوار خیابان چهارباغ است. این موقعیت جغرافیایی تا جایی وسوسه‌انگیز بود که مثلاً رئیس ژاندارمری اصفهان را به فکر انداخت مدرسه را برای مدتی در اختیار اداره متبوعش قرار دهد. یا این‌که اداره معارف زمان رضاشاه را واداشت در کنار آن «دبیرستان معقول و منقول» بسازد. ویژگی دیگر این مدرسه آن بود که از همان زمان احداث، بر عکس مدارس مشابه، رنگ و بوی «دولتی» داشت. بدین معنی که هم به‌وسیله حکومت ساخته شده و هم تولید آن را به دست سلطان زمان گذاشته بودند. همین امر بازی‌های سیاسی را در امر تولید و مدیریت مدرسه وارد می‌کرد. شاید همین دولتی بودن موجب شده بود که هر کس که دستش می‌رسید، خود را ذیحق می‌دانست که موقوفات مدرسه را تصرف کرده و موقوفه خواری نماید. به همین خاطر موقوفات مدرسه اغلب غصب شده و حتی به فروش رسیده بودند. بر این اصل که مال دولت «بی‌صاحب» است. در دوران معاصر جریانات زیادی بر مدرسه چهارباغ گذشت که ما در این مقاله با مراجعه به اسناد باقی‌مانده و برخی مطبوعات، این برگ‌های پراکنده و داستان‌های کوتاه را در یک جا گردآورده‌ایم. بسیاری از این نکات برای اولین بار گفته شده و این خاصیت «اسناد تاریخی» است که معمولاً موقوت‌ترین و بکرترین اطلاعات را می‌توان از دل آنها در آورد.

## بودجه دولتی مدرسه

بر اساس سندی که برجای‌مانده است، در دوران قاجار این مدرسه بودجه دولتی یا همان مستمری به مبلغ بیست و پنج تومان داشته است. اتفاقی که باعث شد سندی در این رابطه تولید شده و به دست ما برسد آن بود که در سال ۱۲۹۵ق / ۱۲۵۷ش دو نفر به نام‌های شیخ مفید و شیخ محمدحسن به تهران رفته و بودجه مدرسه را به نام خود ثبت کردند. این اتفاق باعث شد میرزا مهدی متولی مدرسه اعتراض نموده و از مسعود میرزا ظل السلطان، حکمران اصفهان، بخواهد این موضوع را متوقف نماید. ظل السلطان هم طی فرمانی به شرح زیر از تهران خواست دیگر به‌جز میرزا مهدی به کس دیگری

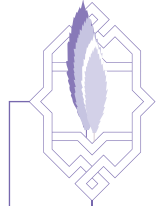
مستمری مدرسه را تحویل ندهند. فرمان ظل السلطان بدین قرار است:

«مهر ظل السلطان - چون در هذه السنه اودئیل عالیجنابان آقا شیخ مفید و شیخ محمدحسن که از جمله مشایخ بیدآباد هستند، به دارالخلافه طهران رفته، مبلغ بیست و پنج تومان نقد از بابت مستمری طلاب مدرسه چهارباغ را به اسم خودشان احکام صادر نموده‌اند که دریافت دارند، جناب سیادت و سعادت همراه آقامیرزا مهدی مجتهد که متولی مدرسه مزبوره می‌باشد، خدمت اولیای دولت ابد مدت قاهره، مراتب را معروض نموده بود که مشارالیه از طلاب مدرسه نیستند و به اشتباه مستمری طلاب آنجا را برده‌اند. از قرار تصدیق مقرب الخاقان حاجی میرزا نصرالله مستوفی دیوان، مبلغ مزبور را کمافی السابق در حق طلاب مدرسه مزبوره برقرار نموده‌اند... مباشرین امور وظایف اصفهان از هذه السنه اودئیل و مابدها، مبلغ مزبور را کمافی السابق در وجه جناب سیادت و سعادت همراه آقامیرزا مهدی به موجب قبل کارسازی داشته که به طلاب مدرسه مزبوره برسانند. محرم الحرام ۱۲۹۵» (ساکما ۹۹۸ / ۶۴۷۶)

### صورت اسامی و مولد طلاب مدرسه چهارباغ

هستی یک مدرسه به کسانی است که در آن تحصیل می‌کنند. طلاب مدرسه چهارباغ چه کسانی بودند؟ از کجا آمده بودند؟ سندی در دست داریم که فهرست کامل طلاب مدرسه چهارباغ در آن مندرج است. بر اساس این فهرست نام ۶۸ نفر از طلاب درج شده است. این سند تاریخ ندارد اما می‌توان آن را به اواخر دوران قاجار منسوب نمود. صورت اسامی طلاب بدین قرار بود:

«سید حسن نائینی، شیخ هبت الله مرندی، شیخ نورالله مرندی، شیخ فضل‌الله فیروزآبادی، شیخ غلامحسین نجف‌آبادی، شیخ ابوالفضل اصفهانی، میرزا نورعلی اردکانی، سید ابوالحسن کرون، محمد نجف‌آبادی، شیخ قربان علی نجف‌آبادی، شیخ اسداله نجف‌آبادی، شیخ کاظم اردکانی، میرزا حسین اسفه‌ای، جلال نجف‌آبادی، سید مرتضی نجف‌آبادی، شیخ مصطفی نجف‌آبادی، شیخ نصرالله نجف‌آبادی، شیخ غلامحسین نجف‌آبادی، شیخ رضا عاشق‌آبادی، شیخ محمد توپسرکانی، سید رحیم شیرازی، شیخ قاسم علی نجف‌آبادی، سراج قمشه‌ای، محسن نجف‌آبادی، سید حسن کوشکی، میرزا رضا کوشکی، میرزا حسین کوشکی، شیخ اسماعیل بروجردی، میرزا احمد فرادنبه، عطاالله فرادنبه، رضا دستنایی، شیخ عبدالرسول اصفهانی، میرزا ابوعطا اصفهانی، میرزا احمد سیاه بویی، شیخ مرتضی دارجویی، شیخ اسدالله نجف‌آبادی، شیخ جواد اصفهانی، میرزا محمد حسین خواجهویی، میرزا محمد رضا خواجهویی، سید عبدالله ورزنه، شیخ مهدی جرقویه، یک



اسم خوانده نشد [ شیخ محمدحسن اردکانی، شیخ احمد جرقویه، شیخ نورالله عقدایی، سید ابوتراب، شیخ ابوالفضل کرونی، شیخ احمد کرونی] یک اسم خوانده نشد [ سید احمد لنجانی] سه اسم خوانده نشد [ محمد نجف آبادی، میرزا جعفر نجف آبادی، سید ابراهیم کرونی، سید صالح سه دهی، شیخ حسین علی؟ سید حسن سه دهی، رضا سه دهی، سید حبیب الله لارجانی، سید صدر یزدی، شیخ سیف الله موسی آبادی، شیخ مصطفی جرقویه ای، سید محمدحسن کرمانی، محمد عباس اصفهانی، فخر الاشراف، حاجی میرزا اسدالله] مجموعاً ۶۸ نفر.

از آنجا که در قدیم مرسوم بود که اشخاص بر اساس مولد و مسقط الرأسشان شناخته شوند، نگاهی به این اسامی معلوم می‌دارد طلاب مدرسه چهارباغ در آن مقطع از کجا برای تحصیل به مدرسه ورود نموده‌اند. این سند به ما نشان می‌دهد بیشتر طلاب از خود ایالت اصفهان بوده‌اند. اغلب از شهرها و آبادی‌های اطراف بودند. البته ۵ نفر طلبه اصفهانی هم در میان طلاب تحصیل می‌کردند. بر اساس سند ترکیب جمعیتی طلاب مدرسه بدین قرار بود:

نجف آبادی ۱۴ نفر، اصفهانی ۵ نفر، کرونی ۴ نفر، کوشکی ۳ نفر، اردکانی ۳ نفر، سه دهی ۳ نفر، جرقویه ای ۲ نفر، خواجویی ۲ نفر، فرادنبه ۲ نفر، مرندی ۲ نفر، لنجانی ۱ نفر، ورزنه ۱ نفر، قمشه ای ۱ نفر، شیرازی ۱ نفر، تویسرکان ۱ نفر، بروجرد ۱ نفر، عاشق آبادی ۱ نفر، فیروز آبادا نفر، عقدا ۱ نفر. به علاوه چند نفر متفرقه هم در مدرسه به تحصیل مشغول بودند. این آمار نشان می‌دهد جوانان نجف آبادی بیشترین اشتیاق را برای تحصیل در این مدرسه داشتند.

### موقوفات مدرسه چهارباغ

راجع به موقوفات مدرسه چهارباغ مباحث زیادی از همان ابتدای تأسیس مدرسه درگرفته بود. شاید مهم‌ترین موقوفات آن مدرسه، بازارچه بلند (بازار هنر کنونی) و کاروان‌سرای شاه عباس (هتل عباسی کنونی) باشد که راجع به روند تصرف و بازگشت آن توسط صاحب این قلم تحقیقاتی صورت گرفته است.<sup>۱</sup> اما با وقوع انقلاب مشروطیت، طلاب مدرسه چهارباغ یکبار دیگر به تکافو افتادند تا موقوفات مدرسه را احیا کرده و به خرج مدرسه برسانند. به همین خاطر در سلخ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ / ۱۷ مرداد ۱۲۸۶ نامه‌ای به مجلس نوشته و خواستگار رسیدگی آن نهاد شدند. عریضه را «آقا سیدعلی مدرس و عموم طلاب مدرسه چهارباغ» نوشته بودند. آنها در ابتدا عدم رضایت خود را از متولی وقت

۱. رجائی، ۱۴۰۰، صص ۸۶ - ۶۲

مدرسه اعلام کردند، سپس به سراغ اوقاف نابود شده مدرسه رفتند «حاج میرزا محمدعلی که مدعی تولیت مدرسه سلطان، معروف به مدرسه چهارباغ است، سال‌های متمادی موقوفات را حیف و میل و مدرسه را ویران داشته و به‌موجب تفصیل املاک موقوفه مزبوره را غاصبین متصرف شده‌اند. استدعای رسیدگی و احقاق حق و امر به آبادی مدرسه و تصرف املاک مزبور را داریم:

۱. قریه مهیار به انضمام مزارع ثمانیه که دهیاری شاهی نزدیکی مهیار که فعلاً صارم الدوله<sup>۱</sup> و بدیع الملک غصباً متصرف شده اند. چیزی از آن به مدرسه عاید نمی‌شود.<sup>۲</sup>.  
۲. قریه مرق واقع در چهارمحال که لطفعلی‌خان<sup>۳</sup> و سایر خوانین بختیاری غصب نموده اند.<sup>۳</sup>. احمد آباد کاشان که در تصرف برادر اقبال الدوله<sup>۴</sup> و سالی پانصد تومان به مدرسه می‌رساند، مابقی را می‌خورد.<sup>۴</sup>. کاروانسرا و بازارچه بلند که متصل به مدرسه است و اولاد حاج عبدالحسین مثقالی<sup>۵</sup> به عنوان خالصه خریده اند.» (ساکما ۲۱۴۳۰ / ۲۹۷) به طور مسلم مجلس و حتی دولت‌های زودگذر مشروطه، کاری برای احیای موقوفات مدرسه نکردند، اما همین نامه فهرستی از موقوفات و وضعیت آنها را در اوان مشروطیت انعکاس می‌دهد.  
روزی که قرار شد مدرسه چهارباغ به دست ژاندارمری بیافتد

دو سال بعد از جنگ جهانی اول، محل مناسب مدرسه باعث شد رئیس ژاندارمری اصفهان هوس به دست‌گرفتن آن را در سر بیپروا کند. او که «ماژر فضل‌الله» نام داشت، در سال ۱۳۳۸ ق / ۱۲۹۸ ش از اداره معارف و اوقاف اصفهان تقاضا کرد که برای مدتی، تا وقتی «فرح‌آباد»<sup>۶</sup> آماده می‌شود، مدرسه چهارباغ در اختیار ژاندارمری گذاشته شود. تا در آنجا مدرسه مخصوص ژاندارمری برپا گردد. استدلال او نزدیکی مدرسه به محل استقرار ژاندارمری بود. در زمان جنگ جهانی اول، نیروهای پلیس جنوب تصمیم گرفتند به‌خاطر

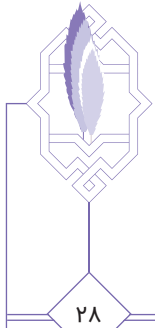
۱. قهرمان میرزا صارم الدوله نوه دختری ناصرالدین شاه بود. او فرزند کسرائیل خانم بانوی عظمی، دختر ناصرالدین شاه بود. پدر او ابوالفتح میرزا صارم الدوله بود.

۲. لطف علی خان امیر مخم پسر امامقلی خان بختیاری. در زمان محمدعلی شاه قاجار فرمانده نگهبانان شخصی وی به‌شمار می‌رفت. در سال‌های ۱۳۰۹-۱۳۱۲ ش رئیس ایل بختیاری بود. در دوران مشروطه طرفدار محمدعلی شاه بود ولی به‌دلیل این‌که پسر عموهایش سردار اسعد و صمصام‌السلطنه از مشروطه‌خواهان بودند، او هم به آنان پیوست و در هیئت دولتی که به ریاست صمصام‌السلطنه تشکیل یافت، وزیر جنگ شد.

۳. محمدخان اقبال الدوله یکی از کارگزاران عصر ناصری است که در زمان استبداد صغیر برای مدت کوتاهی از سوی محمدعلی شاه به حکمرانی اصفهان اعزام شد.

۴. عبدالحسین مثقالی یکی از تجار معروف اصفهان در اواخر دوران قاجار بود. او کاروانسرا را در زمان ناصرالدین شاه به عنوان خالصه از دولت خریده بود. جریان افکار عمومی و مطبوعات و نیز حکم دادگاه سرانجام به نفع متولی مدرسه صادر شد و از سال ۱۳۱۴ ش این بنا به عنوان موقوفه مدرسه چهارباغ شناخته شد. در سال ۱۳۳۷ طی قراردادی مابین اوقاف اصفهان و شرکت بیمه ایران، این شرکت به مرمت بنا اقدام کرد و سرانجام در سال ۱۳۴۵ هـ تمل عباسی متولد گردید. رجائی، ۱۴۰۰، صص ۷۵ - ۶۲)

۵. فرح آباد امروز به نام فلکه ارتش خوانده شده و محل استقرار دو پادگان ارتش است.



احاطه بیشتر به شهر در بازارچه بلند مستقر گردند.<sup>۱</sup> گویا بعد از آنها بازارچه و کاروان سرا به دست نیروهای ژاندارمری افتاده بود. در نظر داشته باشیم که در آن زمان اغتشاش و ناامنی زیادی در اطراف اصفهان برپا شده و نیروی ژاندارمری در فقدان یک ارتش مرکزی، تنها برقرارکننده امنیت در کشور شده بود. نکته جالب این که در این فرایند، شخصی به نام «مسیح» که رئیس اداره معارف و اوقاف بود با تحویل موقت مدرسه موافقت داشت. از فحوای نامه‌ها بر می‌آید که او با تولیت سیدالعراقین بر مدرسه هم مخالفت می‌کرد. به هر حال «رئیس رژیمان ژاندارمری دولتی» در تاریخ ۸ عقرب (آبان) ۱۳۳۸ق / ۱۲۹۸ش نامه‌ای به اداره اوقاف اصفهان نوشت بدین شرح: «نظر به این که اداره ژاندارمری مأمور اصفهان برای تأسیس مدرسه موقتاً، تا زمانی که فرح‌آباد تعمیر شود، محلی لازم دارد، و امروز نظر به قرب جوار مدرسه سلطانی چهارباغ که واقعه نزدیک به اداره و بهترین مکانی است که برای این امر سریع الحصول تر است، لذا متمنی است که شرح این تقاضا را به مقام منیع وزارت جلیله اوقاف اطلاع داده و تقاضا نمایند که تصویب فرمایند و این نکته را هم متذکر خواهید بود که در این قلیل مدت که مدرسه در تصرف اداره ژاندارمری است، هر گاه خرابی و تعمیری پیدا کرد، البته حسب الوظيفه تعمیر خواهد نمود و همین که فرح‌آباد تعمیر شد مجدداً انتقال خواهد نمود.» (ساکما، ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷)

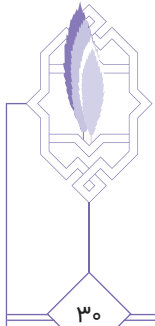
در پی این نامه و مطرح‌شدن موضوع در وزارت معارف، رئیس اداره معارف و اوقاف اصفهان که شاید در اصفهان حضور نداشت، به سید عبدالحسین سیدالعراقین،<sup>۲</sup> متولی مدرسه، تلگراف کرد که خیلی زود مدرسه را تحویل ژاندارمری بدهید «مطابق حکم نمره ۴۵۶۸ که به‌تازگی از طرف وزارت جلیله معارف صادر گردیده و هیئت محترم وزرای عظام تصویب فرموده‌اند، باید مدرسه چهارباغ تا زمانی که فرح‌آباد تعمیر نشده است، موقتاً به اداره محترم ژاندارمری از برای تأسیس مدرسه تصرف داده شود. که به‌زودی وسایل مدرسه را تهیه کرده، شروع به عملیات نمایند. و از تاریخ فوق الی عصر دوشنبه آینده که چهاردهم ماه است، امهال داده می‌شود که صبح سه‌شنبه بدون تعلل و تسامح مدرسه تخلیه و به تصرف اداره محترم ژاندارمری داده شود.» (ساکما، ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷)

۱. علی‌همانی که در آن زمان در نیروی پلیس جنوب استخدام شده بود، ماجرای درخواست فرمانده این نیرو از سردار محتشم، حاکم اصفهان و استقرار این نیرو در بازارچه را ذکر کرده است. (همامی، ۱۳۹۳، ص ۵۴)  
 ۲. سید عبدالحسین سیدالعراقین در سال ۱۲۹۶ق در اصفهان متولد شد. از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۲۷ در نجف اشرف به تحصیل علوم دینی پرداخت. بعد از بازگشت به اصفهان در سال ۱۳۲۷ق تولیت و امور مدرسه چهارباغ را از عموی خود تحویل گرفت و دست به تعمیرات مهمی در مدرسه زد. از دیگر تغییرات آن بود که بعضی رقبات موقوفات مدرسه را احیا کرد. وی سرانجام در ۱۰ شوال ۱۳۵۰ق در گذشت و در تخت فولاد اصفهان به خاک رفت (دانشنامه تخت فولاد، ج ۲، ذیل مدخل سیدالعراقین)

ریاست اداره معارف و اوقاف اصفهان که با رضایت و هماهنگی او این اقدام در حال انجام بود، در تاریخ ۱۱ قوس (آذر) ۱۳۹۸ به وزارت معارف و اوقاف نامه‌ای نوشت و در آن نگرانی‌های خود را از پیامدهای این تصمیم ابراز کرد و البته به وزارت مذکور رهنمون داد که در مقابل اعتراض متولی چه باید بکنند «حکم مطاع تحت نمره ۴۵۶۸ در خصوص مدرسه سلطانی واقعه در چهارباغ عز وصول داد. و نیز توصیه شده بود که اگر تولید زحمت و اشکالی می‌شود دست نگاه دارم. بدیهی است تا جهات کار را محکم ننمایم، شروع به اقدام نخواهم نمود، لیکن در بدو امر البته از طرف آقای سیدالعراقین یا به تحریک ایشان، از طرف علمای اعلام در این باب شکایات متواتره خواهد شد. هر گاه حمایت از مرکز نشود و بنده را تنها در دست آقایان رها فرمایند به کلی امورات خراب و بعد از این هیچ‌گونه امری از پیش نخواهد رفت. و این نکته را متذکر باید بود که اگر آقای سیدالعراقین شکایت نمود، فوراً از او سند تولیت مطالبه فرمایند. چون وقفنامهچه را بنده ملاحظه کرده و به‌خوبی مسبقم که تولیت مدرسه با شخص سلطان است. مسلم است ساکت شده و محال است وقفنامهچه را ارائه بدهد.» (ساکما، ۳/۱۳۴۰۳ / ۲۹۷) چند روز بعد در تاریخ ۱۶ قوس ۱۳۹۸ میرزا مسیح، رئیس اداره اوقاف اصفهان، نامه‌ای به وزارت معارف و اوقاف نوشت، بدین قرار «برای مزید استحضار خاطر محترم مطالبی را که کشف کرده‌ام، اطلاعاً عرض می‌نماید: وقفنامهچه مدرسه چهارباغ نزد حاجی میرزا محمدعلی مدرس، عموی سیدالعراقین می‌باشد. وکالتاً امروز بنده در منزل ایشان آن طومار را ملاحظه نموده و محقق داشتم که تولیت با تشخیص سلطان می‌باشد و ان‌شاءالله همین چندروزه سواد مصدق وقفنامهچه را از ایشان وصول کرده، لفاً تقدیم می‌دارد. هر گاه وزارت جلیله تقاضای مازور فضل‌الله را قبول و تخلیه مدرسه را تصویب فرماید، خیلی شایسته و به‌موقع می‌باشد.» (ساکما، ۳/۱۳۴۰۳ / ۲۹۷) گفتنی است این وقفنامه مفصل ۴۰ صفحه‌ای در کتاب «تاریخچه اوقاف اصفهان» آمده است.<sup>۱</sup>

اما سیدالعراقین نمی‌توانست این موضوع را بپذیرد و چنان که رئیس اداره معارف پیش بینی کرده بود، از مقامات مختلف می‌خواست که حکم را لغو کنند. او در تاریخ ۱۲ قوس به وزیر مالیه تلگراف کرد «حسب الحکم وزارت اوقاف می‌خواهند مدرسه چهارباغ را تصرف اداره ژاندارمری نمایند. به جهت مدرسه نظامی. خیلی محل حیرت است، مدرسه ای که دارای چهار مسجد است و پنجاه نفر طلبه دارد، در قبه الاسلام چگونه می‌شود تسلیم اداره نظامی نموده، معابد و مساجد در کدام دین و ملت محل

۱. سینتا، عبدالحسین ۱۳۴۶، ص ۱۹۰ - ۱۵۰



نظام شده، چون به فوریت می‌خواهند تخلیه کنند مستدعیم به فوریت اقدام نمایند که رفع این فجیعه اسلامیة بشود» (ساکما، ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷)

۱۴ قوس ۱۲۹۸ نامه‌ای با سربرگ رسمی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، اما بدون مهر و امضا نوشته شد که شرح ماجرا را بیان کرده است. نویسنده نامه مجهول است و احتمالاً یکی از مقامات اصفهانی است که ماجرا را به صورت غیر رسمی به تهران گزارش می‌دهد «قربانت گردم. مرقومه محترمه که متضمن تلگراف جناب مستطاب آقای آقا سید عبدالحسین مدرس بود عز وصول ارزانی داشت. در باب مدرسه چهارباغ تفصیل این است که چندی قبل رئیس اوقاف اصفهان نوشته بود که اداره ژاندارمری تقاضا کرده است که چون مدرسه چهارباغ نزدیک اداره مزبوره است، اجازه داده شود موقتاً، برای چند ماه مدرسه ژاندارمری شود و بعد از تعمیر فرج اباد تخلیه نمایند. و ضمناً رئیس اوقاف اشعار داشته بود که مدرسه بیش از پنج و شش نفر طلبه ندارد و آنها هم قابلیت سکونت مدرسه را ندارند و تقاضای اداره ژاندارمری را تصویب کرده بود. چون مدرسه سلطانی بود و طلبه نداشت از وزارت معارف جواب داده شد که موقتاً برای تسهیل کار مدرسه ژاندارمری ضرر ندارد این اجازه داده شود. ولی اگر تولید محظوری خواهد نمود، دست نگهدارید. حالا معلوم می‌شود آقایان نظر به موقوفات آنجا این مسأله را فجیعه اسلامی دانسته اند. لهذا به امین اوقاف تلگراف شد که از این اقدام صرف نظر نماید.» (ساکما، ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷)

در کتب تاریخ و اسناد چیزی یافت نشد که مدرسه به دست ژاندارمری افتاده باشد. حتی به صورت موقت؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کوشش‌های سیدالعراقین به ثمر نشست و ژاندارمری نتوانست پا به مدرسه چهارباغ بگذارد. اما گویا این موضوع یا موضوعات دیگر باعث شد که رئیس اداره معارف و اوقاف اصفهان با مخالفت‌های جدی بزرگان شهر مواجه شود. به حدی که در ۱۲ جدی (دی) ۱۲۹۸ تلگرافی از وزارت معارف به او گردید که نه تنها معزول هستی بلکه باید فوراً اصفهان را ترک کنی «آقای آقامیرزا مسیح نماینده سابق اوقاف. در تعقیب حوادث اخیر که وزارت اوقاف ادامه خدمت شما را در اصفهان مقتضی ندانست. لازم بود که به فوریت به طرف مرکز حرکت نمایید. نظر به این که توقف شما در آنجا ممکن است بیشتر اسباب زحمت برای شما فراهم نموده، مصادف با اشکالات جدید بشوید، لازم می‌دانیم که هر چه زودتر حرکت نموده به مرکز بیاید.» (ساکما، ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷)

### دبیرستان معقول و منقول

یکی از سیاست‌های رضاشاهی آن بود که تلاش می‌شد تدریس و تبلیغ علوم دینی را نیز دولتی گردانند. بدین خاطر دو مؤسسه در کشور راه اندازی گردید که یکی مؤسسه وعظ و خطابه و دیگری دبیرستان‌های معقول و منقول در سراسر کشور بود. در اصفهان در

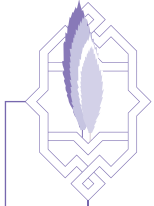
نوروز ۱۳۱۴ برای مکان‌یابی این دبیرستان، وزیر فرهنگ به اصفهان آمد و مکانی در جنوب مدرسه چهارباغ را در نظر گرفت. «چون جناب آقای وزیر معارف در ایام اقامت اصفهان به تأسیس دانشکده معقول و منقول و ساختن محل متناسب با این قسمت امر داده بودند، لذا از طرف اداره معارف مقدمات ساختمان آن تهیه گردیده است. این عمارت در جنب مدرسه چهارباغ ساختمان خواهد شد و مشتمل بر سه کلاس و یک کتابخانه‌ای که برای احتیاجات دانشکده کافی باشد، و یک سالن بزرگ برای ایراد کنفرانس‌ها می‌باشد.» (اخگر، ش ۱۱۲۸، ۱۸ فروردین ۱۳۱۴) اداره معارف به سرعت دست به کار شد و تلاش زیادی کرد تا بنایی که بالا می‌رود از نظر معماری با محیط اطراف، یعنی مدرسه چهارباغ و نیز کاروان‌سرای کناری که بعدها هتل عباسی گردید، همخوانی داشته باشد.

خبر این بود «ساختمان قسمت نمای خارجی دانشکده معقول و منقول با حفظ منظره قدیمی و تاریخی آن در شرف اتمام است و قسمت داخلی آن را همچون منظور حفظ اسلوب قدیم و رعایت متناسب بودن با بنای هم جوار آن «مدرسه سلطانی» می‌باشد، لذا با کمال دقت مشغول ساختمان می‌باشند» (اخگر، ش ۱۱۵۶، ۲۵ تیر ۱۳۱۵)

سه سال پس از کلنگ‌زنی، پروژه دبیرستان معقول و منقول آماده بهره‌برداری گردید. این بار هم وزیر معارف به اصفهان آمد. گزارش افتتاحیه دبیرستان بدین قرار است: «روز جمعه گذشته در سالن عمارت نوساز دبیرستان معقول و منقول مجلس جشن افتتاح بنای نامبرده بر حسب دعوت اداره معارف اصفهان و با حضور جناب آقای حکمت، وزیر معارف و اوقاف و جناب آقای فرماندار و تیمسار سرتیپ سطوتی، فرمانده محترم تیپ، و جمع زیادی از رؤسای ادارات و معاریف شهری تشکیل یافت. این بنای زیبا که در جنب گنبد مدرسه سلطانی چهارباغ با کمال استحکام و با اسلوب پسندیده‌ای ساختمان شده است، و مشتمل بر یک سالن بزرگ و اتاق‌های دیگر است، دومین عمارت دبیرستانی است که در عرض دو ساله اخیر در شهر اصفهان ساخته می‌شود.»<sup>۱</sup> (اخگر، ش ۱۳۲۴، ۸ فروردین ۱۳۱۷)

دبیرستان معقول و منقول از همان سال ۱۳۱۴ در خود عمارت مدرسه چهارباغ شروع به کار کرده بود. مطابق یک نامه از رئیس اداره معارف اصفهان به وزیر معارف، مقرر شده بود که طلاب خود مدرسه چهارباغ برای «دانشکده معقول و منقول» اولویت داشته باشند و بر این اساس تعداد ۱۹ نفر آنان به موسسه جدید منتقل شدند. نظام نامه‌ای برای این مؤسسه جدید نوشته شد و بر اساس آن محصلین مدرسه به سه دسته تقسیم می‌شوند

۱. اولین دبیرستان دبیرستان سعدی است که پشت میدان نقش جهان و در گذر سعدی قرار دارد و در سال ۱۳۱۴ افتتاح گردید.



۱. محصل دائم که بیشتر از سی نفر نخواهد شد. (برای هر کلاس ده نفر) ۲. محصل محدود که فقط در مدرسه حق سکنی دارد و باید تابع مقررات مدرسه باشد. ۳. محصل آزاد که بایستی تابع مقررات درس باشد» همچنین برای کسانی که در مدرسه حجره دارند نیز قوانین سخت بود «محصلین دائم موظفند غیر از لیلی تعطیل، در مدرسه از ساعت دو از شب بیتوته نمایند. چنان چه در یک ماه سه شب متوالی یا پنج شب به تفاریق بدون عذر موجه غیبت نمایند نصف حقوق آنها کسر گذارده خواهد شد. محصلین در شب‌های تحصیلی به هیچ وجه حق پذیرفتن مهمان ندارند. اشخاص خارج به عنوان دیدن اگر بخواهند بر محصلین وارد شوند، فقط در روزهای جمعه و ایام تعطیل مجاز خواهند بود» این نظام نامه تاریخ ۱۹ مرداد ۱۳۱۲ را بر خود دارد.

در اعلانی که در تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۱۲ منتشر شده است، به ما می‌گوید طلاب مدارس قدیمی اصفهان، چندان استقبالی از این مدرسه به عمل نیاورده‌اند «در تعقیب اعلان مورخه ۱۷ / ۳ / ۱۲ نظر به این که عده داوطلبان تا این تاریخ به قدر کفایت نبود، لذا بعد از شور با عده‌ای از آقایان مطلعین با حضور ریاست محترم معارف و اوقاف، چنین اتفاقاً رای داده شد که تا بیست و دوم تیرماه ۱۳۱۲ حق درخواست ورود به کلاس‌های مدرسه چهارباغ داشته باشند، لذا به عموم آقایان طلاب علوم دینیہ اخطار می‌شود که با شرایط مقرر در اعلان سابق مورخه ۱۷ / ۳ / ۱۲ می‌توانند مراجعه به دفتر مدرسه چهارباغ نموده و در خواست کتبی خود را تسلیم و جواز دریافت دارند» این اعلان را زین‌العابدین ذوالمجدین امضا کرده است. (ساکما، ۶۴۷۶ / ۹۹۸)

راجع به بودجه‌بندی و مدرسین این موسسه نیز اطلاعات این سند جالب توجه است. در بهمن ۱۳۱۳ رئیس اداره معارف اصفهان به وزیر معارف و اوقاف نوشت « برای تهیه مقدمات تشکیل دانشکده معقول و منقول جلسه‌ای مرکب از آقایان آقامصطفی مدرس، متصدی مدرسه، میرزا سیدمحمد نجف‌آبادی، سید عبدالعلی عقدایی، شیخ‌محمد مفید، مدرسین مدرسه مزبوره در اداره معارف منعقد و بدواً بودجه دانشکده به ماهیانه ۳۵۷۰ ریال به شرح ذیل :

اعتبار حق‌التدریس مدرسین مطابق ساعات مندرجه پروگرام ماهیانه ۱۴۲۰ ریال

اعتبار شهریه ۳۰ نفر محصل کلاس اول و دوم از قرار هر یک ۶۰ ریال ۱۸۰۰ ریال

حقوق سه نفر خادم و روشنایی و متفرقه ماهیانه ۳۵ ریال

با موافقت آقایان فوق‌الذکر تدوین نمود. به این طور که فعلاً کلاس‌های اول و دوم

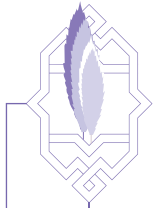
دانشکده مزبور به صورت فوق دایر شود و در ۲۵ فروردین ۱۳۱۴ کلاس سوم آن نیز تأسیس گردد. و نیز در نظر گرفته شد محصلین فعلی مدرسه چهارباغ هر کدام داوطلب ورود به کلاس‌های این دانشکده باشند، در صورت حایز بودن شرایط بر سایر داوطلبین حق تقدم داشته باشند و در جلسات اول و چهارم بهمن ماه جاری، اسامی ۱۹ نفر آنها مطابق قوه و سابقه تحصیلی برای کلاس اول و دوم دانشکده مزبور تعیین و در صورت مجلس مربوطه قید گردید» (سازمان اسناد، ۱۶۵۶۰ / ۲۹۷) بر اساس اسناد در کلاس چهارم متوسطه این مدرسه ۹ محصل مشغول به تحصیل بوده اند که بر اساس ریزنمرات آنها دروس منطق، فقه، ادبیات، صرف، نحو و ریاضیات را امتحان داده اند. (ساکما، ۶۴۷۶ / ۹۹۸)

عمر این دبیرستان زیاد نبود و احتمالاً با وقایع شهریور ۲۰ و باز شدن مجدد درب مدرسه چهارباغ بر روی طلاب، وجود آن بلااستفاده نموده و تعطیل گردیده است. بدین ترتیب موسسه‌ای به نام «دبیرستان معقول و منقول» برای همیشه محو گردید اما تابلو کاشیکاری آن برجا ماند.

### در جستجوی کاربری برای مدرسه

با رفتن رضاشاه صحبت بر سر این شد که با خود مدرسه چهارباغ، که اکنون طلبه چندانی نداشت، چه باید کرد و چه کاربری برای آن در نظر گرفت. در آذر ۱۳۲۰ روزنامه باختر پیشنهاد داد که طلاب به مدرسه برگردند «این مدرسه باید، همان‌طور که نسبت به مدرسه سپهسالار تهران عمل شده، برای سکونت عده‌ای از طلاب علوم دینی و محصلین علوم جدید، که هر یک از این دو طبقه تحت نظر و تعلیمات مدرسین عالی‌مقام از علوم قدیم و جدید بهره‌مند گردند، انتخاب گردد». (باختر، ش ۵۸۷، ۲ آذر ۱۳۲۰) در ادامه مطلب روزنامه باختر کاربری دیگری برای مدرسه در نظر گرفت که به دلیل موقعیت مکانی مدرسه و وزن تاریخی آن، این کاربری تا چند دهه برای مدرسه چهارباغ باقی ماند. روزنامه باختر افزود «از طرفی دیگر روزهای پنج‌شنبه و جمعه و همین‌طور در اعیاد و جشن‌ها و کلیه روزهای تعطیل برای ایراد نطق‌ها و خطابه‌ها و سخنرانی‌های سودمند... تخصیص داده شود». (باختر، ش ۵۸۷، ۲ آذر ۱۳۲۰)

البته رئیس اداره معارف اصفهان پیشنهاد دیگری داشت. او در نامه‌ای به وزارت فرهنگ پیشنهاد داد عمارت دبیرستان معقول و منقول به دانشسرای پسران داده شده و حجرات مدرسه چهارباغ نیز به صورت خوابگاه آنان در آید. او در این نامه در خصوص سکونت طلاب در مدرسه به وزیر می‌گوید «در این خصوص بنده کراراً به آقای گدار و دیگران



عرض کرده ام که اصولاً در انظار خودی و بیگانه، بایر افتادن بنایی به این عظمت صورت خوشی ندارد و باید از آن استفاده نمود. منتهی نحوه این استفاده را پیش از هر چیز باید مورد دقت و امعان نظر قرار داد. چه، هرگاه بنا باشد باز مشتی مردم که در میان ایشان عده بسیار کمی طلبه حقیقی وجود داشته باشد، در حجرات این بنا سکونت گرفته و با تکیه به افکار و اوضاع سابق بخواهند مجدداً در اینجا قهوه‌خانه و دکان بقالی و غیره دایر نمایند، نه تنها شایسته بنایی به این عظمت و زیبایی نیست، بلکه اداره امور آن نیز دیگر به دست مأمورین فرهنگ و باستان‌شناسی عملاً امکان نخواهد داشت. بنابر این با عطف توجه به ساختمان جدید و آبرومند دبیرستان چهارباغ در اراضی مجاور مدرسه و بلااستفاده ماندن این بنا از مدتی پیش تاکنون، تصور می‌کنم بهتر آن باشد که از طرف وزارت فرهنگ یکی از این دو تصمیم اتخاذ و اجرا گردد: نخست آن که ساختمان دبیرستان را به کلاس‌های درس اختصاص داده و حجرات مدرسه را برای سکونت دانش آموزان دانش‌سرای پسران، که به علت نداشتن محل تاکنون شبانه روزی نشده است، تخصیص دهند<sup>۱</sup> این نامه در تاریخ ۲۱ دی ۱۳۲۰ به وزارت فرهنگ نوشته شده است. (سازمان اسناد، ۱۳۹۱/۰۴/۲۹)

در نامه رئیس فرهنگ صحبت از قهوه‌خانه و دکان بقالی گردید. این نکته جالب در تاریخ مدرسه چهارباغ دیده می‌شود که در دوره قاجاریه داخل راهرو ورودی و حتی جلوتر در داخل بنا به صورت یک بازارچه بوده است در توصیفی که مادام دیولافوا، در عصر ظل‌السلطان، از مدرسه می‌کند می‌گوید «از در بزرگ داخل هشتی وسیعی شدیم که به شکل هشت ضلعی منظم و دارای گنبدی بود. در طرف راست و چپ کسبه تخت‌های چوبی گذارده و در روی آن‌ها هلوهای درشت و انگورهای بسیار عالی و قدح‌های دوغ ترش و خیار و گوشت به سیخ کشیده برای کباب و سایر خوردنی‌ها حاضر کرده بودند، در واقع اینجا رستورانی است که مشتریان را به خوبی جلب می‌کند». (دیولافوا، ۱۳۷۱: ۲۷۳) در زمان مشروطیت هم همین بساط برقرار بوده است. رنه دالمانی که در این زمان در اصفهان بسر می‌برد، در توصیف این مدرسه نوشت « برای ورود به حیاط این بنا ابتدا باید از دالان بزرگ مسقفی گذشت که سقف آن با نوعی گچ‌بری به شکل لانه زنبور که مقرنس نامیده می‌شود، تزئین گردیده است. باید توجه داشت که در این بنای مذهبی از دستور عیسی مسیح که به موجب آن کسب و کار در محوطه معابد ممنوع است، خبر و اثری نیست، زیرا در دالان، میوه فروش‌های زیادی به داد و ستد مشغولند که به نظر می‌آید

۱. یک صفحه از نامه رئیس فرهنگ در گنجینه اسناد سازمان اسناد موجود نیست، بنابر این پیشنهاد دوم او را نمی‌دانیم.

مطلقاً تقیدی به تقدس بنا ندارند.» (دالمانی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۵۵۸) این شرایط بدین خاطر بود که مطابق عکس‌های باقی مانده، درختان بلند و پرشاخه‌ای در جلوی درب مدرسه سایه افکن شده بودند و احتمالاً قهوه‌چی در زیر این درختان، تخت‌هایی برای نشستن و قلیان کشیدن گذاشته بود. تجمع مردم در این محوطه باعث می‌شد عده‌ای نیز در حیاط و دالان مدرسه بساط میوه‌فروشی راه بیندازند.

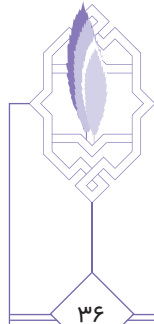
روزنامه اخگر به شدت مخالف آن بود که شرایط مدرسه، با آن همه هزینه و مرمتی که شده بود، دوباره به حالت اول بازگردد «همه‌کس وضع رقت‌بار گذشته این بنای تاریخی و باعظمت و شکوه را، که آثار خرابی از در و دیوار آن می‌بارید، و گذشته از این، قهوه‌خانه جمعی بیکاره و ولگرد شده و حتی مدخل آن به دکان بقالی تبدیل یافته بود، فراموش نکرده، و صورت امروز آن را که گویی تازه از زیر دست بناها و معماران عصر شاه سلطان حسین صفوی درآمده است، ۱ در نظر دارد و انصاف می‌دهد که اگر وزارت فرهنگ، موقوفات این بنای مجلل را که عالی‌ترین نمونه‌ای از نوع تمدن و میزان فرهنگ باستانی ایران است، تصرف نکرده و به آن شدت و علاقه‌ای که رؤسای فرهنگ وقت و مخصوصاً اداره باستان‌شناسی به کار تعمیر و مرمت آن برده‌اند، در تجدید رونق و شکوه آن نمی‌کوشیدند، امروز این اثر بزرگ چنین جلوه و جمالی را نمی‌داشت و این گونه جالب انظار سیاحان خارجی واقع نمی‌شد» (اخگر، ش ۱۷۶۳، ۴ تیر ۱۳۲۱)

به نظر می‌رسد در سال ۱۳۲۳ تمام این گفتگوها بالاخره وزارت فرهنگ را به این نتیجه رسانید که مطابق قانون نباید دیگر کسی در مدرسه چهارباغ سکونت اختیار کند. باید به طور کلی آنجا حالت «موزه» داشته باشد. این وزارت خانه در تاریخ ۲۲ / ۷ / ۲۳ تلگرافی به رئیس فرهنگ اصفهان نوشت بدین مضمون که «علت عدم سکونت در مدرسه چهارباغ اجرای قانون حفظ آثار باستانی است. از آقایان طلاب هم فعلاً به طور موقت ممانعتی نشود تا محل مناسبی برای آنها در نظر گرفته شود و به آنجا انتقال یابند.» ساکما، ۳۳۸۹ / ۲۹۱)

سید محمدرضا خراسانی ۲ ریاست مدرسه در تاریخ ۲ / ۸ / ۱۳۲۳ در شکایت از خواسته وزارت

۱. راجع به مرمت‌هایی که در سال ۱۳۱۵ در مدرسه انجام شد می‌خوانیم: «قسمت تعمیرات مدرسه سلطانی از قبیل سنگ‌فرش داخل مدرسه و تعمیر کاشی‌های فاسد و خراب آن ادامه دارد و درنظر دارند که جزئی‌ترین نواقص آن را تعمیر نمایند. برای تهیه کاشی‌های کتیبه تختانی گنبد، کمیسیونی تعیین شده و قریباً اقدامات مقدماتی آن را خاتمه خواهند داد که زودتر کاشی کتیبه را حاضر و نصب نمایند.» (اخگر، ش ۱۱۵۶، ۲۵ تیر ۱۳۱۵)

۲. آیت الله العظمی سید محمدرضا خراسانی متولد ۱۲۷۳ش و متوفی در سال ۱۳۵۶ش است که حدود ۳۵ سال زعامت حوزه علمیه اصفهان را بر عهده داشت. احیای مدارس علمی از جمله مدرسه صدر بازار و احداث کتابخانه و مسجد در اصفهان از فعالیت‌های اجتماعی اوست. او سرانجام در تخت فولاد اصفهان تکیه فاضل هندی به خاک رفت.



فرهنگ راجع به سکونت طلاب در مدرسه چهارباغ به استاندار اصفهان نوشت: «مطابق دستور وزارت فرهنگ بیست نفر از بهترین از طلاب که حقیقتاً شایسته و صالحند تعیین شده‌اند برای سکونت در مدرسه چهارباغ. از روی اطمینانی که به عملیات اداره فرهنگ داشتند در مدرسه برای تحصیل سکونت نمودند. در مجلس افتتاح آن مدرسه حضرت‌عالی حضور داشتید. خلاصه بعد از آن مقدمات و سکونت و تنظیم امر مدرسه، مجدداً مراسله‌ای رسیده که آقایان ترک سکونت نمایند، تلگرافاتی یوم قبل در این موضوع به مرکز شده، مستدعی است حضرت‌عالی اظهار لطف فرمایید، آقایان در مدرسه نامبرده به سکونت باقی و اشتغال به تحصیل داشته باشند.» (ساکما، ۳۳۸۹ / ۲۹۱) احتمالاً استاندار به وزارت فرهنگ تلگراف کرده و کسب تکلیف کرده بود، به همین خاطر چند روز بعد یعنی در تاریخ ۱۱ / ۸ / ۱۳۲۳ وزیر فرهنگ به رئیس فرهنگ اصفهان نوشت: «در تعقیب تلگراف ۲۵۲۴۵ مورخه ۷ / ۸ / ۲۳ اشعار می‌شود که باقی‌ماندن بیست نفر از آقایان طلاب در مدرسه چهارباغ اصفهان که یکی از آثار مهمه باستانی ایران می‌باشد (و اجرای قانون مربوط به آثار باستانی از وظایف وزارت فرهنگ است) صلاح نمی‌باشد. لازم است به‌فوریت یکی از مدارس قدیمه اصفهان یا محل مناسب دیگری را در نظر گرفته و چنان چه تعمیراتی هم ضرورت داشته باشد از محل درآمد اوقافی انجام دهید که منتهی تا یک ماه الی یک ماه و نیم دیگر آقایان طلاب به آنجا منتقل شوند. البته در اجرای این دستور لازمه مراقبت و جدیت و ملاحظه اطراف امر را باید بنمایید که منظور وزارت فرهنگ به بهترین صورتی به‌موقع اجرا گذاشته شود.» (ساکما، ۳۳۸۹ / ۲۹۱)

رئیس اداره فرهنگ اصفهان در نامه‌ای به تاریخ ۲۰ / ۸ / ۲۳ ضمن تقدیم نامه‌های وزارت فرهنگ به استانداری خواستار اظهار نظر وی در اجرای مفاد آن شده بود. به نظر می‌رسد استاندار اصفهان رای به بیرون کردن طلاب نداده باشد. (ساکما، ۳۳۸۹ / ۲۹۱) چرا که سکونت طلاب در مدرسه متوقف نگردید.

### مدرسه چهارباغ محل اجتماع مردم

یک چیز برای مدرسه چهارباغ غیر قابل انکار بود و آن هم محل بسیار مناسبی بود که این مدرسه در مرکز شهر و بر خیابان چهارباغ داشت. به همین خاطر این کاربری یعنی محلی برای تجمع مردم اصفهان، تا چند دهه برای مدرسه چهارباغ اجرایی گردید. بنابر عکس‌های باقی مانده از دهه بیست تا پنجاه شمسی، مهمترین مراسم دینی، سیاسی، عزاداری، فاتحه‌خوانی و تشریفات رسمی در این مکان برگزار می‌شد. در زیر ایوان مدرسه صندلی نهاده و عده‌ای از بزرگان می‌نشسته‌اند و در حیات مدرسه نیز مردم جمع می‌شده‌اند. همچنین محل اصلی «انجمن تبلیغات دینی» یکی از نهادهای مردمی فعال در دهه

سی در اصفهان، مدرسه سلطانی بود. در اطلاعیه‌های این انجمن معلوم می‌شود محل اجتماعات مردمی در فراخوان‌های این انجمن مدرسه مذکور بوده است. در دهه ۴۰ این مدرسه بیشتر به محل برگزاری تجمعات دولتی و شبه دولتی و نیز مراسم سوگواری تبدیل شد. یک نمونه دیگر از تجمعات شبه دولتی در این مدرسه در سال ۱۳۴۳ بر اساس گزارش یک روزنامه محلی مربوط به ماجرای تنش میان ایران و مصر بود. وقتی جمال عبدالناصر، رئیس جمهور وقت مصر نام مجعول «خلیج عربی» را به کار برد، مردم کشور به تشویق دولتیان، دست به تجمعاتی زده و در اصفهان مدرسه چهارباغ محل تجمع و برگزاری مراسم بود. متن خبر: «پیش از ظهر روز شنبه گذشته ده‌ها هزار تن از طبقات مختلف مردم اصفهان طی اجتماع باشکوهی که در مدرسه سلطانی چهارباغ تشکیل دادند... نفرت و انزجار شدید خود را از تحریکات سرهنگ ناصر ابراز داشتند... طبقات مختلف مردم در حالی که شعارهای ملی در دست داشتند، پس از گذشتن از خیابان‌های اصفهان وارد مدرسه سلطانی که مملو از جمعیت بود و مردم در خیابان‌های اطراف آن نیز ایستاده بودند، شدند» استاندار اصفهان هم در این تجمع سخنرانی کرد. (مجاهد، ش ۷۷۹، ۱۷ دی ۱۳۴۳)

اما از آن بدتر کاربری محل برگزاری مراسم ختم بود که صدای اعتراض روزنامه مجاهد را درآورد. این روزنامه معتقد بود این نوع مراسم هر روزه باعث می‌شود که کاربری گردشگری این مدرسه آسیب ببیند. از سویی دیگر معتقد بود دیدن مردم اصفهان در حالت عزا و ماتم از سوی گردشگران خارجی خوشایند نیست. او پیشنهاد داد تخت فولاد و یا مسجد سید محل برگزاری این نوع مراسم گردد. متن روزنامه حاوی نکات جالبی است:

«مدتی است رسم شده هر کس در این شهر بدرود حیات می‌گوید مراسم ختم او را در شبستان مدرسه تاریخی چهارباغ و بعضی اوقات که هوا صاف و آفتابی است، در خود صحن مدرسه چهارباغ برپا می‌سازند و از این عمل پاک آبروی مردم این شهر را بر باد می‌دهند. زیرا مدرسه چهارباغ یکی از بزرگترین آثار تاریخی این شهر است و هر روزه دسته دسته و گروه گروه مستشرقین و جهانگردان از آن طرف دنیا برای تماشا به این مدرسه می‌آیند و هر روز مواجه با برگزاری مراسم ختم می‌شوند. از همه بدتر این که درپ ایاب و ذهاب مراسم ختم چسبیده به درب مهمانسرای شاه عباس کبیر است<sup>۱</sup> و هر روز یک عده خارجی به مهمانسرا رفت و آمد می‌کنند و یک عده با وضع بسیار زننده در مراسم ختم شبستان مدرسه چهارباغ. این است که ما از آقای مهندس پارسا می‌خواهیم

۱. تماًلاً آن روز از دربی که نزدیک هتل عباسی است و تابلوی «دبیرستان معقول و منقول» دارد و امروز مسدود است برای مراسم عزاداری استفاده می‌شده است.



دستور فرمایند از این به بعد از برگزاری مراسم ختم در مدرسه چهارباغ قویاً جلوگیری کنند و یکی از تکالیف تخت فولاد را به این موضوع اختصاص بدهند و هر کس خواست مراسم ختم برگزار نماید در تخت فولاد برگزار کند و از این عمل آبروی اصفهان و مردم آن را حفظ نمایند» (مجاهد، ش ۸۷۴، ۲۶ آبان ۱۳۴۵)

روزنامه مجاهد در شماره بعدی ابراز داشت که این پیشنهاد او مورد استقبال بسیاری قرار گرفته است و در خبری تکمیلی افزود اداره اوقاف برای برگزاری هر مراسم ختم در مدرسه چهارباغ مبلغ ۲۵۰ تومان می‌گیرد: «سرکار سرهنگ زاهدی، مدیر کل اوقاف، برای این که صاحبان مجالس ختم را از نگرانی و بچاپ بچاپ مغازه‌داران کرایه‌ای این گونه مجالس خلاص کند، دستور داده که فقط ۲۵۰ تومان بابت کلیه مخارج مراسم ختم به متولی مدرسه چهارباغ بدهند و مجلس ختم را برگزار کنند، که این دستور و اقدام و بالاخره این ابتکار مدیر کل اوقاف در خور همه گونه تقدیر و تحسین است، منتهی ما عقیده داریم که جلسات ختم را در یکی از تکالیف تخت فولاد یا مسجد سید که از هر لحاظ شایسته این گونه مجالس است برگزار کنند و این آثار گرانبها و تاریخی را برای مستشرقین و جهانگردان حفظ و حراست کنند.» (مجاهد، ۸۷۵، ۳ آذر ۱۳۴۵)

این کاربری یعنی محل تجمع و برگزاری مراسم از این جهت برای این مدرسه مهم بود که بخشی از این وظیفه به «کتابخانه فرهنگ» منتقل گردید. موسسه‌ای که در سال ۱۳۲۳ درست در کنار مدرسه چهارباغ و در محل دبیرستان معقول و منقول برپا گردید.

### کتابخانه در مدرسه

چنان که می‌دانیم یکی از قسمت‌های ضروری مدارس، تأسیس یک کتابخانه در آن برای مطالعه طلاب بوده است. بی‌گمان مدرسه چهارباغ هم با توجه ویژه‌ای که شاه سلطان حسین صفوی به آن داشت، و جایگاهی که در دستگاه دولتی یافته بود، دارای یک کتابخانه معظم بوده است. اما حمله افغان و آشفته‌گی‌های بعدی این کتابخانه را به نابودی کشانید. بعد از آن تاریخ نخستین آثار وجود کتابخانه در این مدرسه مربوط به اوایل دوران رضاشاه است. این کتابخانه به همت یکی از رؤسای اداره معارف و اوقاف اصفهان در یکی از حجرات مدرسه مذکور برپا گردید. در سال ۱۳۰۷ش گویا رئیس وقت اداره معارف و اوقاف اصفهان از وزارت معارف درخواستی کرده بود حاکی از این که کتابخانه اوقاف (واقع در مدرسه چهارباغ) به کتابخانه عمومی اصفهان منتقل گردد. وزیر معارف در پاسخ اطلاعات بیشتری از دو کتابخانه مذکور خواسته و خوشبختانه پاسخ نامه به دست ما رسیده است. این متن

نامه رئیس معارف و اوقاف اصفهان به وزیر معارف و اوقاف راجع به کتابخانه‌های مذکور به تاریخ ۸ / ۲ / ۱۳۰۷ می‌باشد «آقای امیرزا حسین خان امید در سنه ۱۳۰۳ مواری ۶۴۴ جلد از کتب موقوفه (از قبیل کتب فقه و اصول و اخبار و غیره) را جمع آوری و در یکی از حجرات مدرسه چهارباغ اصفهان کتابخانه‌ای به اسم کتابخانه علمیه اوقاف در تحت مدیریت و تصدی آقای حاج آقا سدهی تأسیس و بعداً مقداری از کتب مزبوره را به طلاب مدارس امانتاً داده و قبض رسید دریافت داشته اند. ولی چون محلی برای تأدیه مخارج کتابخانه نبوده است، لذا متصدی مرقوم استعفا داده و از آن تاریخ تاکنون مابقی از کتب مزبوره که بالغ بر ۵۰۰ جلد است، در همان حجره مدرسه موجود و درب اتاق مقفل می‌باشد و اما کتابخانه عمومی فعلاً از قرار تحقیقات لازمه دارای ۱۵۰۰ جلد کتاب می‌باشد و اینک لفاً اساسنامه کتابخانه مزبوره را که محتوی مراتب استعلامیه است، برای استحضار آن مقام منیع تقدیم و استدعا می‌نماید اجازه فرمایند کتب موقوفه را جزو کتابخانه عمومی نموده که عموم آقایان و طلاب نیز از آنها استفاده نمایند.» (ساکما، ۱۳۸۷/۲۱۹۷)

### کتابخانه فرهنگ

پس از شهریور ۱۳۲۰ محل ساختمان دبیرستان معقول و منقول، که اکنون بدون شاگرد مانده بود به «کتابخانه فرهنگ» اختصاص داده شد. به نظر می‌رسد که مسئولین اداره فرهنگ اصفهان، از این که آنجا را به امور آموزشی و دانش‌سرا اختصاص دهند منصرف شده و قرار نهادند مهم‌ترین کتابخانه شهر در آنجا تأسیس گردد. مقداری از کتاب‌هایی که از قبل در اداره فرهنگ اصفهان بلا استفاده مانده بود، مایه اولیه کتابخانه فرهنگ گردید. نوع معماری ساختمان که شامل یک سالن بزرگ و اتاق‌هایی کوچک است نیز برای کتابخانه شدن مناسب به نظر می‌رسید. آقای احسنی، رئیس فرهنگ اصفهان این افتخار را نصیب خود کرد.<sup>۱</sup>

خبر افتتاحیه کتابخانه فرهنگ یک جشن فرهنگی در این شهر بود. روزنامه اصفهان: «از مدتی پیش آقای رئیس فرهنگ اصفهان در نظر داشتند که کتاب‌های موجود در اداره فرهنگ اصفهان را در محلی گرد آورده و تشکیل کتابخانه و قرائتخانه آبرومندی برای شهر اصفهان بدهند و این موضوع در شورای فرهنگ هم سابقاً مطرح گردیده، ایشان تصمیم به انجام این کار نیک گرفتند. اینک به طوری که از طرف اداره فرهنگ به طور رسمی دعوت شده است، فردا ساعت ۵ بعد از ظهر مراسم گشایش کتابخانه منظور که در عمارت جدیدالبنای جنب مدرسه چهارباغ است، در مدرسه مزبور به عمل می‌آید و از

۱. برای تاریخچه و تحولات این مرکز علمی رک: عسکرانی، ۱۳۹۸، صص ۱۳۵-۱۲۰



روسای اداره‌های دولتی و عده زیادی از محترمین نیز دعوت به عمل آمده است که در مراسم گشایش آن حضور یابند.» (اصفهان، ش ۹۴، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۳) امیرقلی امینی مدیر فرهنگ‌دوست روزنامه اصفهان، پس از درج خبر، ضمن تقدیر از این اقدام اداره فرهنگ، اظهار امیدواری کرد این نهاد پایدار بماند « روز به روز بر تعداد کتاب‌های آن افزوده شده، در آینده جایگزین کتابخانه معروف و نامی قدیم مدرسه چهارباغ بشود » (همان)

بالاخره روز سه شنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۳ ساعت ۵ بعد از ظهر از راه رسید. گزارشی از مراسم افتتاحیه کتابخانه در روزنامه اصفهان درج شده است: « بر حسب دعوت اداره فرهنگ اصفهان روز سه شنبه ساعت ۵ بعد از ظهر در حضور جناب آقای افشار، استاندار محترم و تیمسار سرتیپ قدر، فرمانده محترم لشکر و عده زیادی از محترمین و فرهنگیان، مراسم گشایش کتابخانه فرهنگ اصفهان به عمل آمده، قبلاً آقای احسنی، رئیس فرهنگ، پس از اظهار تشکر از حضور آقای استاندار، و سایر مدعوین، شرحی راجع به لزوم تشکیل کتابخانه و اقدامی که درباره افتتاح آن به عمل آمده، و خدماتی که آقای فرهوشی، مدیر دانشمند دبیرستان شاه عباس جلفا، در تنظیم کتابخانه نموده بودند، بیان و سپس رشته بیان را به دست آقای صهبا، مدیر فاضل روزنامه سرنوشت و مدیر باستان‌شناسی داده، ایشان شرح مفصلی راجع به اهمیت ابنیه تاریخی اصفهان و عظمتی که اصفهان از این جهت دارد و اهمیت کتابخانه قدیم مدرسه چهارباغ و لزوم تجدید تشکیل کتابخانه آن بیان و پس از ایشان آقای کتابی مدیر دانشمند دبیرستان ادب، با بیان بسیار جامع و شیرین، شرح مفصلی راجع به اهمیت کتاب و کتابخانه سخنرانی نموده و در خاتمه مدیر ما آقای امینی شرحی مبنی بر تشویق حضار به مساعدت با کتابخانه و دادن کتاب و اعانه بیان، و در ضمن متعهد شدند که پنج هزار ریال نقد یا موازی آن کتاب، به انتخاب آقای رئیس فرهنگ، از کتابخانه خودشان به کتابخانه فرهنگ اهدا نمایند. در این موقع جناب آقای افشار نیز با بیان فصیحی از آقایان سخنرانان که ضمن بیانات خودشان از ایشان تقدیر و توصیفاتی کرده بودند، اظهار شکرگزاری کرده و وعده دادند که برای رونق این بنگاه نوزاد، همه گونه اقدام و مساعدت نمایند» (اصفهان، ش ۹۵، ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۳)

پس از افتتاحیه، مهمترین مسأله غنی تر کردن منابع کتابخانه بود. اولین چراغ را امیرقلی امینی، همان طور که وعده داده بود، روشن کرد و تعداد ۳۴۰ جلد کتاب از کتابخانه خویش را به کتابخانه اهدا کرد. احسنی در نامه‌ای به ایشان ضمن تقدیر اعلام کرد که کتاب‌ها در قفسه جداگانه و در دفتری به نام ایشان ثبت خواهد شد. (اصفهان، ش ۱۰۶، ۲۲ خرداد ۱۳۲۳)

چندی بعد شخصی به نام حسن نصیری تعداد یکصد جلد کتاب به کتابخانه مذکور اهدا کرد (سرنوشت، ش ۶۵، ۲۵ آذر ۱۳۲۳) به همین ترتیب جامعه فرهنگی اصفهان و کتاب دوستان اصفهانی برای رونق کتابخانه فرهنگ، به اهدای کتاب اقدام می‌نمودند.

### کتابخانه محل پاتوق اهالی ادب و روزنامه‌خوانی

در دهه بیست که تب سیاست در کشور بالا گرفته بود و نیاز شدیدی به مطبوعات و روزنامه‌ها احساس می‌شد، محمدعلی فرهوشی، که به ریاست کتابخانه فرهنگ منصوب شده بود، از مدیران جراید خواست که یک نسخه از روزنامه خود را برای مطالعه عموم به کتابخانه فرهنگ ارسال کنند. هم چنین اعلام کرد «سالن مطالعه کتابخانه فرهنگ همه روزه به استثنای تعطیلات رسمی و روزهای پنجشنبه که جلسات انجمن ادبی در آنجا منعقد است، از ساعت ۴ بعد از ظهر تا ۷ بر روی عموم باز و هر کس می‌تواند از کتب و جراید استفاده نماید» (اصفهان، ش ۱۷۱، ۳۰ بهمن ۱۳۲۳) یکی از این انجمن‌های ادبی که نام آن برده شد، انجمن ادبی کمال بوده که چندی بعد یک مجسمه فردوسی به کتابخانه اهدا کرد. گفتنی است در آن زمان ده‌ها انجمن ادبی به صورت هفتگی در جاهای مختلف شهر و حتی خانه‌های شخصی تشکیل می‌گردید و شعرا و ادبای شهر گرد هم جمع شده و آخرین دستاوردهای ادیبان را به یکدیگر عرضه می‌کردند.

این کتابخانه چندین دهه محل برگزاری تجمعات مختلف فرهنگی اصفهان بود و به مدت طولانی بار فرهنگ اصفهان را بر دوش خود می‌کشید. تا این که سرانجام در سال ۱۳۷۳ عمارت کتابخانه تخلیه شد و به مدرسه چهارباغ تحویل گردید. اکنون (سال ۱۴۰۲) کتابخانه علمیه امام صادق در آن برقرار است. این کتابخانه وابسته به مدرسه چهارباغ است که به مدرسه علمیه امام صادق تغییر نام داده است. در این مدت دانشمندانی مانند نورالله نورشرق، علی محمد فرهوشی، محمد صدرهاشمی سکاندار این مرکز علمی بودند.

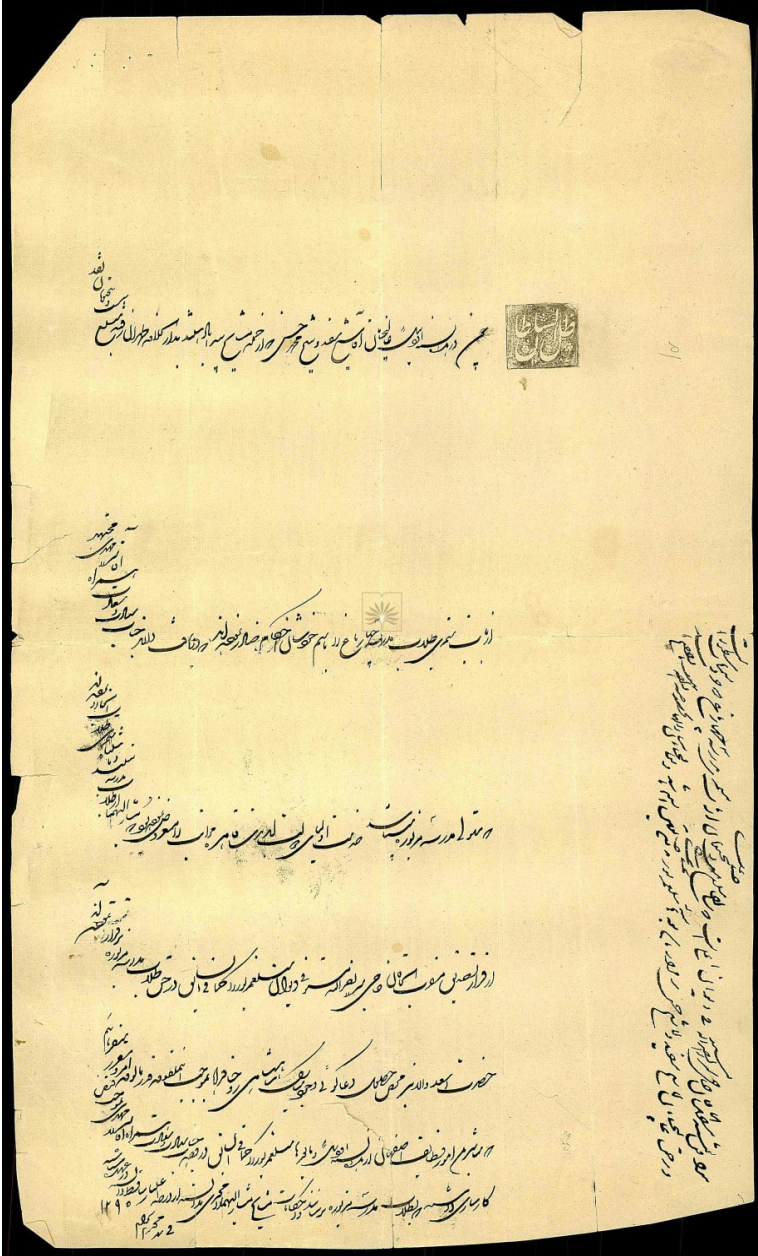


## نتیجه‌گیری

مدرسه چهارباغ شاخص‌ترین مدرسه علمیه اصفهان است. موقعیت جغرافیایی مدرسه و جایگاه آن به‌گونه‌ای است که در طول عمر این مدرسه، بارها مطمح نظر صاحبان قدرت قرار گرفت. دستگاه‌های دولتی همواره برای این مدرسه برنامه داشته و نمی‌توانستند آن را فراموش کنند. رقبات آن نیز مورد غصب افراد ذی‌نفوذ قرار داشت. به همین خاطر تحولات خاصی بر مدرسه گذشت که سایر مدارس قدیمه از آن فارغ بودند. این مقاله تلاش کرد با کمک اسناد منتشر نشده بخش‌هایی از این تاریخ را بازگو نماید. نکاتی که در کتاب‌های تاریخی نیامده‌اند.

## کتابنامه

- رجائی، عبدالمهدی (۱۴۰۰). *یکصد و یک نکته در گردشگری اصفهان*، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان
- همای، علی (۱۳۹۳). *خاطرات*، به کوشش عبدالمهدی رجائی، قم: مجمع ذخایر اسلامی
- سپینتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچه اوقاف اصفهان*، اصفهان: اداره کل اوقاف اصفهان.
- عسکرانی، محمدرضا (۱۳۹۸). *فرهنگ و فرهنگیان اصفهان*، اصفهان: چشمه آفرینش.
- دیولافوا، ژان (۱۳۷۱). *ایران، کلد و شوش*، ترجمه علی محمدفره وشی، تهران: دانشگاه تهران، اسناد
- سازمان اسناد ملی (ساکما) اسناد به شماره‌های ۶۴۷۶ / ۹۹۸ و ۲۱۰۸۷ / ۲۹۷ و ۲۱۴۳۰ / ۲۹۷ و ۳۳۸۹ / ۲۹۱ و ۳۱۴۰۳ / ۲۹۷
- روزنامه‌ها
- روزنامه اخگر، محل نشر اصفهان
- روزنامه اصفهان، محل نشر اصفهان
- روزنامه سرنوشت، محل نشر اصفهان
- روزنامه مجاهد، محل نشر اصفهان



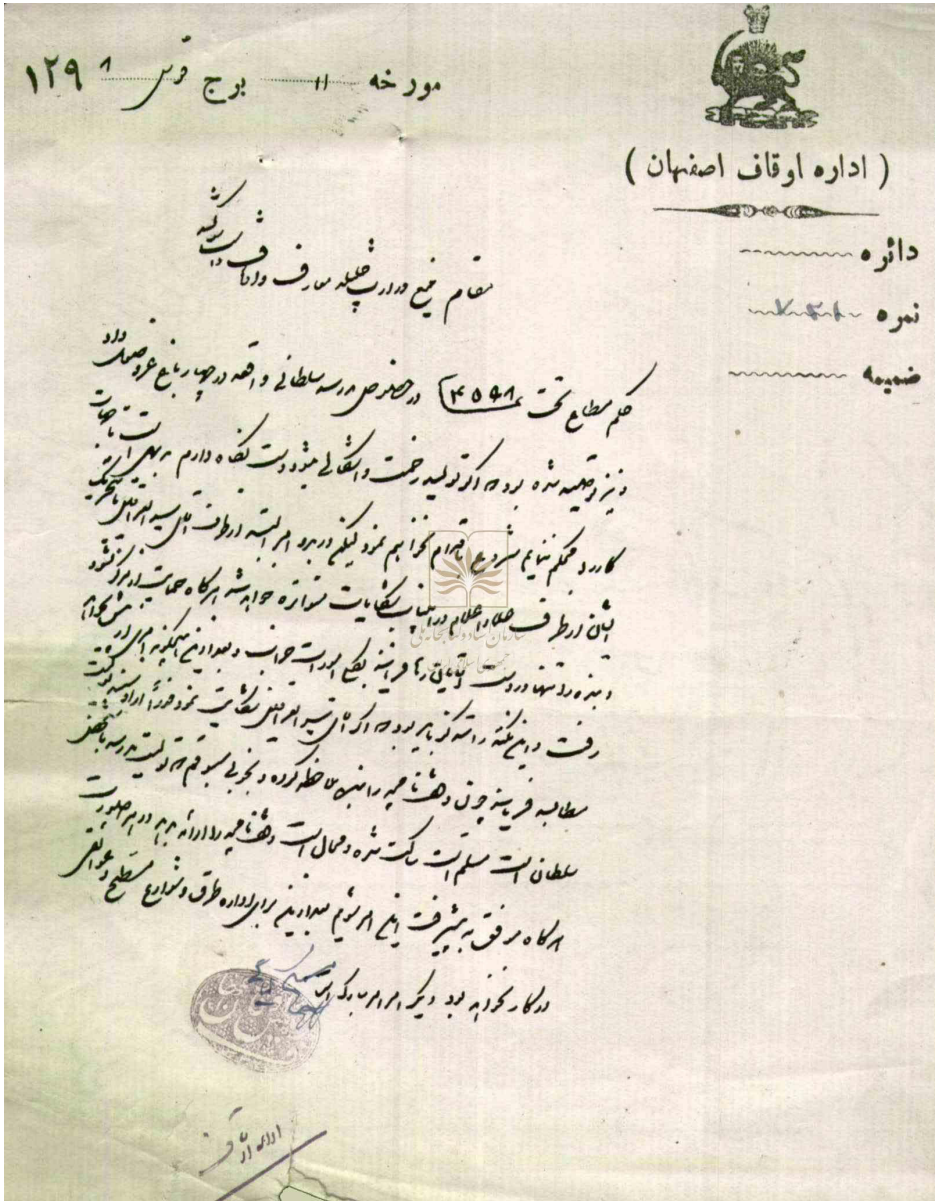
فرمان ظل السلطان در مورد مستمری مدرسه چهارباغ سال ۱۲۹۵ق

صورت اسامی طلاب مدرسه چهارباغ

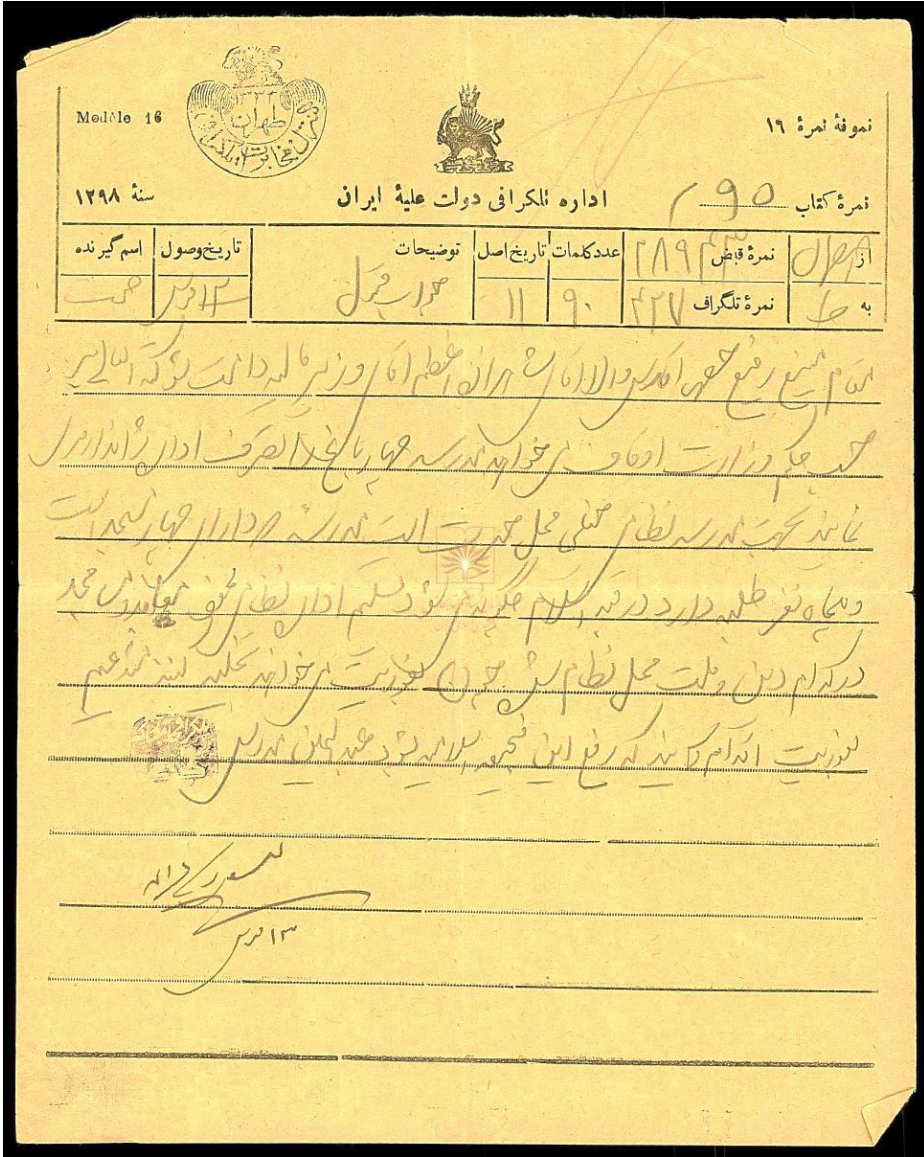
سید محمد علی <sup>۱</sup> سید محمد علی <sup>۲</sup> سید محمد علی <sup>۳</sup> سید محمد علی <sup>۴</sup> سید محمد علی <sup>۵</sup> سید محمد علی <sup>۶</sup> سید محمد علی <sup>۷</sup> سید محمد علی <sup>۸</sup> سید محمد علی <sup>۹</sup> سید محمد علی <sup>۱۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۱۱</sup> سید محمد علی <sup>۱۲</sup> سید محمد علی <sup>۱۳</sup> سید محمد علی <sup>۱۴</sup> سید محمد علی <sup>۱۵</sup> سید محمد علی <sup>۱۶</sup> سید محمد علی <sup>۱۷</sup> سید محمد علی <sup>۱۸</sup> سید محمد علی <sup>۱۹</sup> سید محمد علی <sup>۲۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۲۱</sup> سید محمد علی <sup>۲۲</sup> سید محمد علی <sup>۲۳</sup> سید محمد علی <sup>۲۴</sup> سید محمد علی <sup>۲۵</sup> سید محمد علی <sup>۲۶</sup> سید محمد علی <sup>۲۷</sup> سید محمد علی <sup>۲۸</sup> سید محمد علی <sup>۲۹</sup> سید محمد علی <sup>۳۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۳۱</sup> سید محمد علی <sup>۳۲</sup> سید محمد علی <sup>۳۳</sup> سید محمد علی <sup>۳۴</sup> سید محمد علی <sup>۳۵</sup> سید محمد علی <sup>۳۶</sup> سید محمد علی <sup>۳۷</sup> سید محمد علی <sup>۳۸</sup> سید محمد علی <sup>۳۹</sup> سید محمد علی <sup>۴۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۴۱</sup> سید محمد علی <sup>۴۲</sup> سید محمد علی <sup>۴۳</sup> سید محمد علی <sup>۴۴</sup> سید محمد علی <sup>۴۵</sup> سید محمد علی <sup>۴۶</sup> سید محمد علی <sup>۴۷</sup> سید محمد علی <sup>۴۸</sup> سید محمد علی <sup>۴۹</sup> سید محمد علی <sup>۵۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۵۱</sup> سید محمد علی <sup>۵۲</sup> سید محمد علی <sup>۵۳</sup> سید محمد علی <sup>۵۴</sup> سید محمد علی <sup>۵۵</sup> سید محمد علی <sup>۵۶</sup> سید محمد علی <sup>۵۷</sup> سید محمد علی <sup>۵۸</sup> سید محمد علی <sup>۵۹</sup> سید محمد علی <sup>۶۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۶۱</sup> سید محمد علی <sup>۶۲</sup> سید محمد علی <sup>۶۳</sup> سید محمد علی <sup>۶۴</sup> سید محمد علی <sup>۶۵</sup> سید محمد علی <sup>۶۶</sup> سید محمد علی <sup>۶۷</sup> سید محمد علی <sup>۶۸</sup> سید محمد علی <sup>۶۹</sup> سید محمد علی <sup>۷۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۷۱</sup> سید محمد علی <sup>۷۲</sup> سید محمد علی <sup>۷۳</sup> سید محمد علی <sup>۷۴</sup> سید محمد علی <sup>۷۵</sup> سید محمد علی <sup>۷۶</sup> سید محمد علی <sup>۷۷</sup> سید محمد علی <sup>۷۸</sup> سید محمد علی <sup>۷۹</sup> سید محمد علی <sup>۸۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۸۱</sup> سید محمد علی <sup>۸۲</sup> سید محمد علی <sup>۸۳</sup> سید محمد علی <sup>۸۴</sup> سید محمد علی <sup>۸۵</sup> سید محمد علی <sup>۸۶</sup> سید محمد علی <sup>۸۷</sup> سید محمد علی <sup>۸۸</sup> سید محمد علی <sup>۸۹</sup> سید محمد علی <sup>۹۰</sup>  
 سید محمد علی <sup>۹۱</sup> سید محمد علی <sup>۹۲</sup> سید محمد علی <sup>۹۳</sup> سید محمد علی <sup>۹۴</sup> سید محمد علی <sup>۹۵</sup> سید محمد علی <sup>۹۶</sup> سید محمد علی <sup>۹۷</sup> سید محمد علی <sup>۹۸</sup> سید محمد علی <sup>۹۹</sup> سید محمد علی <sup>۱۰۰</sup>

صورت اسامی طلاب مدرسه چهارباغ در اواخر دوران قاجار

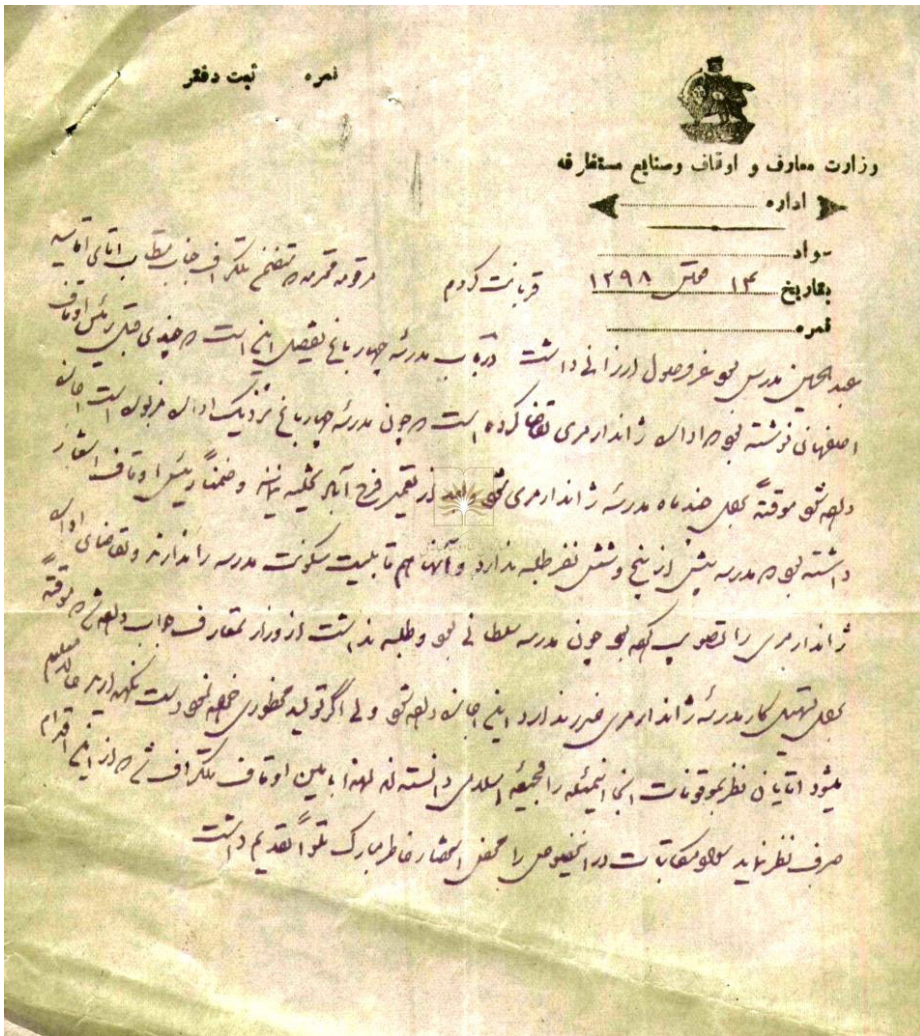




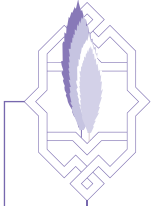
نامه رئیس معارف و اوقاف اصفهان به وزارت معارف و اوقاف درباره واگذاری مدرسه به ژاندارمری  
۱۲۹۸ش



تلگراف سید العراقین به وزیر مالیه در مخالفت با واگذاری مدرسه به زاندارمری ۱۲۹۸ش



نامه غیررسمی که شرح ماجرای واگذاری مدرسه به ژاندارمری و متوقف شدن آن را نوشته است ۱۲۹۸ش



تاریخ ۲۷ خرداد ۱۳۱۲

نمره ۲۴

## اعلان

در تعقیب اعلان مورخه ۱۲/۳/۱۷ نظر باینکه عده داوطلبان تا این تاریخ بقدر کفایت نبود لذا بعد از شور با عده از آقایان مطمین با حضور ریاست محترم معارف و اوقاف چنین اتفاقاً <sup>سازمان اساتید معلمان</sup> داده شد که تا بیست و دوم تیر ماه ۱۳۱۲ حق درخواست ورود بکلاسهای <sup>مدرسه</sup> چهارباغ داشته باشند لذا بعموم آقایان طلاب علوم دینیه اخطار میشود که با شرایط مقرر در اعلان سابق مورخه ۱۲/۳/۱۷ میتوانند مراجعه بدفتر مدرسه چهارباغ نموده و درخواست کتبی خود را تسلیم و جواز دریافت دارند لکن اگر اشعار میدارد که بعد از مدت مزبوره دیگر هیچ نحوی از انحاء درخواست ورود بمدرسه پذیرفته نخواهد شد

زین العابدین

ذوالمجدین

مطبعه امامی



## وزارت فرهنگ

اداره فرهنگ و اوقاف اصفهان

دو نوشت نامه شماره ۲۵۸۸۹ مورخه ۱۱/۲/۱۳۸۹ وزارت فرهنگ که اصل آن بشماره ۲۳۱۴ ثبت شد

اداره فرهنگ اصفهان - در تعقیب تکداف شماره ۲۵۲۴۵ مورخه ۷/۱۱/۱۳۸۸ اعمار  
 میسر که باقیماندن بیت نواقیان طلاب در مدرسه چهارباغ اصفهان که با از  
 دنا رسیده باستانه ایران میباشد (و اجرای قانون مربوط به راه باستانه از وظایف  
 وزارت فرهنگ است) صلاح نمیباید لازم است بقوهت کتب از مدارس قدیم اصفهان  
 یا مکتب دگرسی را در نظر گرفته و چنانچه تعمیرات هم ضرورت داشته باشد  
 از ممر درآمد اوقاف خانی انجام دهد که فتهن تا کلیه الکلیه و نیم دگر اقیان طلب  
 با سجا منتقند الیه در اجراء این دستور لازم مراقبت و جدیت و ملاحظه  
 امر را باید بنماید که منظور وزارت فرهنگ بهترین صورتی بموقع اجرا گذارند  
 و هر گاه لازم برآید در اجراء این دستور با جناب اساتذکار نیز مساعدت  
 طریقی را که جهت عیادن مقصد ضروری است امتناذ و جریان امر دنیجه را  
 هر چه زودتر گزارش خواهند داد - وزیر فرهنگ

روزیته پرا بامراس  
 محمدعلی



تاریخ ۳۱۶۶۱۷

# انجمن تبلیغات دینی

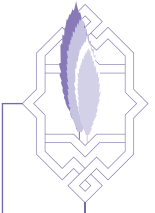
اصفهان

## برادران دینی



بمناسبت تصادف روز ۳ شنبه ۱۸ شهر جاری با عید سعید غدیر جلسه جشنی از طرف انجمن تبلیغات دینی با حضور حضرات علماء اعلام و محترمین و طبقات مختلف در محل انجمن ( مدرسه سلطانی ) از ساعت ۵ بعد از ظهر تشکیل میگردد بدینوسیله از عموم برادران دینی دعوت میشود که در این جشن مقدس شرکت فرمایند .

### انجمن تبلیغات دینی اصفهان



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه  
 اداره معارف و اوقاف اصفهان

تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۰۷  
 ضمیمه بکتابخانه مدرسه چهارباغ

دایره .....  
 شماره ۵۲۴

مقام جمع وزارت عدلیه صافخانه

دستخط ۱۳۴۹/۳۳ راجع به کتابخانه عتیقه اوقاف و کتابخانه عمومی میراث جاویدان  
 جواب مورد نظر میرسد - ۵۵ میرزا حسین امید در ۳۰ اسفند ۱۳۴۴

جدد کتاب موقوفه (از قبیل کتب فقه و اصول و تفسیر و غیره) که جمع ادب  
 در این وزارت معارف و اوقاف اصفهان است بجز آنکه با سه کتاب عتیقه  
 اوقاف در تحت میراث جاویدان تصدیق و تصدیق آنرا در ۱۳۴۴  
 از کتب زینب را به طلب مدراس امامت و کتب و کتب زینب  
 و کتب چون مجرای تادیبه و غیره که بجز اینها تصدیق و تصدیق  
 در این وزارت معارف و اوقاف اصفهان است بجز آنکه با سه کتاب عتیقه  
 در ۱۳۴۴ تصدیق و تصدیق آنرا در ۱۳۴۴  
 که بجز زینب را در محترم کتاب استعد میراث جاویدان تصدیق و تصدیق  
 دانسته می نماید و این زمانه که موقوفه را بجز آنکه بجز عتیقه و غیره  
 اقبالی و طلب نیز در آنها تصدیق نمایند - رئیس دفتر میراث جاویدان

۱۳۴۹/۳۳  
 ۱۳۴۹/۳۳  
 ۱۳۴۹/۳۳

نامه رئیس معارف و اوقاف اصفهان به وزارت معارف و اوقاف راجع به کتابخانه مدرسه چهارباغ ۱۳۰۷ش